

فتنه سرویس‌های امنیتی برای دعوای دو آذربایجان بر سر شهریار

فردی از شاگردان شهریار ادعاهای اخیر کشور آذربایجان بر سر شهریار را فتنه سرویس‌های امنیتی برای قرار دادن شهریان به عنوان قطب جنوبی دعوای دو آذربایجان می‌داند.



به گزارش آران نیوز، محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، در سال 1285 در تبریز به دنیا آمد. پدرش «حاج میرآقا بهجت تبریزی» نام داشت که در تبریز وکیل بود. شهریار پس از پایان دوره راهنمایی در تبریز، در سال 1300 برای ادامه تحصیل از تبریز عازم تهران شد و در مدرسه دارالفنون تا سال 1303 و پس از آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. او شاعری با قریب‌های توانا و زبانی فاخر بود که گاه مایه رشک هم‌عصران نیز می‌شد. شهریار در شعر علاوه بر تأمل و مطالعه شاعران و سرآمدان ادب فارسی، از مطالعه اشعار سرایندگان ترک‌زبان و آذری نیز غفلت نکرد؛ همین موضوع سبب شد تا شاعری در آذربایجان ظهور کند که نه تنها در شعر فارسی که در ادبیات ترکی نیز آغازگر سبکی جدید باشد. اولین دفتر شعر او در سال 1310 با مقدمه ملک‌الشعرای بهار و پژمان بختیاری منتشر شد. شهریار پس از آن منظومه «حیدر بابایه سلام» را در سال 1330 منتشر کرد و با این اثر در ادبیات آذری ماندگار شد. هرچند کلیات شهریار در سال‌های گذشته بارها منتشر شده و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته است، اما بخشی از سروده‌های او به دلایل مختلف به چاپ نرسیده‌اند؛ از جمله این موارد مجموعه اشعار انقلابی اوست که گفته می‌شود امسال برای نخستین بار پس از 30 سال به زیور طبع آراسته شده است. کتاب «شهریار و انقلاب ملت» چندی پیش از سوی بنیاد شهریار منتشر شد. این اثر، چنانکه از عنوان آن پیداست، دربردارنده سروده‌های شهریار با موضوع انقلاب اسلامی است.

«شهریار و انقلاب ملت» در 800 صفحه به چاپ رسیده و علاوه بر اشعار، دربردارنده دستخط‌های شاعر و همچنین تصویری از شهریار در لباس روحانی است. از دیگر ویژگی‌های این اثر، نقل رؤیای معروف آیت‌الله مرعشی نجفی طی نامه مهمور به سجع و مَهر آن مرجع فقید و اختصاص فصلی مجزا به طرح بیانات مقام معظم رهبری درباره این شاعر است. اصغر فردی، از شاگردان شهریار که مقدمه‌های مفصل بر این اثر نوشته، معتقد است شهریار با همه دارایی‌اش از انقلاب دفاع کرد. او همراه نیمی از حقوق ماهیانه‌اش را به ستاد بازسازی مناطق جنگی ارسال می‌کرد. علاوه بر این دست کمک‌های مادی، شهریار شهرتی داشت که آن شهرت را برای انقلاب قربانی و خرج کرد. فردی همچنین در گفت‌وگوی تفصیلی با تسنیم، به چرایی عدم انتشار سروده‌های انقلابی شهریار طی سه دهه گذشته می‌پردازد و می‌گوید: طی سال‌های اخیر کلیات استاد با شمارگان بالا به فروش می‌رود، به خصوص پس از پخش سریال «شهریار» میزان استقبال از آثار استاد بیشتر هم شد، اما کماکان شعرهای انقلابی استاد در این آثار منتشر نمی‌شد. خیلی‌ها از گرایش مرحوم شهریار به انقلاب اسلامی ناراضی و ناراحت بودند و هستند. اگر بزرگترین نویسنده فرانسه همراه و همدل انقلاب کبیر این کشور بود و در جهت همدلی با آن انقلاب یک دیوان شعر نوشته بود، شعرهای او را چه می‌کردند؟ بر ورق زر می‌نوشتند و با میلیون‌ها تیراژ دست به دست می‌گرداند. همزمان با سرایش شعر این کار را می‌کردند، نه اینکه 30 سال اشعار انقلابی او را منتشر نکنند و غفلت کنند.

پیش از این بخش نخست این گفت‌وگو در تسنیم منتشر شده بود، مشروح بخش دوم و پایانی این گفت‌وگو به شرح ذیل است: برخی معتقدند که سرودن شعر درباره یک موضوع تاریخی یا درباره یک سازمان و شخصیت تاریخی تاریخ انقضایی برای شعر دربر خواهد داشت، آیا شعرهای شهریار از این منظر هم می‌تواند بررسی شود؟ به نکته خوبی اشاره کردید، در مقدمه این کتاب یک فصل به نام «بلاغت شعر شهریار» گشوده‌ایم، که بحث بسیار مهمی است برای اینکه برخی از معاندین بی‌آنکه شعر شهریار را ببینند، گفته‌اند که شعرهای شهریار اهمیت ادبی نداشته و فاقد ارزش بوده است. من به عنوان تنها شاگرد شهریار همه اشعار شهریار را حفظ هستم و می‌دانم شعر را در چه سنی سروده است، نسبت به وضعیت شعر و صناعتی که در آن سنین یاد گرفته است.

یکی از توفیقات انقلاب اسلامی همدلی شهریار با آن بود به نظر من این انقلاب توفیقاتی داشت، یکی از توفیقات انقلاب اسلامی همدلی شهریار با آن بود، به نظر من این انقلاب توفیقاتی داشت، یکی از توفیقات انقلاب اسلامی همدلی شهریار با آن بود. بعد از صائب دیگر شاعر درخشانی در شعر فارسی 500 سال اخیر نداریم، بله، ترجیح بند هاتف، غزل عراقی و... را داریم اما شاعری که پر شاهکار باشد نداریم، اینکه چنین شاعری بیاید همراه انقلاب باشد یک توفیق است، پخته‌ترین دوره شعری شهریار مقارن با انقلاب اسلامی شد، شعرهای انقلابی شهریار از محکم‌ترین، قوی‌ترین، رقیق‌ترین و شعرترین شعرهای شهریار نسبت به سایر اشعارش است، شعرهای بزرگان شعر فارسی چون سعدی فراز و فرودهایی دارد، یک جا سعدی می‌گوید «به زیورها بیاریند وقتی خوب‌رویان را / تو شاخه گل چنان خوبی که زیورها بیارایی» شهریار برای امام یک شعری می‌سازد با این مطلع که «تو آن سروی که چون سر برکنی سرها بیارایی و گر سرور شدی آیین سرورهای بیارایی / من این یک بیت سعدی با تو ای خواننده می‌خوانم...» و اصلاح می‌کند شعر سعدی را به این شکل که «به زیورها بیاریند مردم خوب رویان را ، تو شاخه گل چنان زیبا که زیورها بیاریند».

شهریار شاعر دگمه‌دار نبود در بخشی از مقدمه کتاب که «فتنه شعر شهریار» نام دارد، به ایهامات بلاغی شعر شهریار پرداخته‌ام، ایهامات بلاغی که شعر شهریار تنها در 80 سالگی آن را داشت، بلاغت شهریار در این دوره طوفانی است، این دوستان شهریار را خوب نمی‌شناسند، تصوراتشان شاعران دگمه‌دار است که سر ساعت خاصی شعر می‌سرایند، شهریار شاعر رقیقی بود، از شعرش شعرتر بود، مناجات‌هایش با خدا بسیار دیدنی بود، گویی خدا را مقابل خود قرار داده و با او مشغول درد و دل است، شکایت می‌کند، اعتراض می‌کند، دعوا می‌کند، شعر در چنین آدمی می‌جوشید، حالی پیدا می‌کرد که متوجه می‌شدم شعری خواهد سرود. مغموم و خیره به روبرو، ...چند دقیقه چشمانش را می‌بست و شعر را می‌ساخت، ظرف یک پاک نویس کردن شعر می‌نوشت، گاهی ما شاعران شب تا صبح می‌نشینیم تا یک بیت شعر بسراییم.

شهریار ادیب نبود، عروض نمی‌دانست، اما شعر در درون او می‌جوشید خاطره‌ای تعریف کنم، من دوستی دارم که با هم سیره اخوت خوانده‌ایم، آن زمان مدیرکل ارشاد استان بود، روزی از روزهای عید نوروز شهریار را با هم به خارج از شهر بردیم، یکی از منظومه‌های بلند و مشهور شهریار را که فردی خوانده بود و همه ترک‌ها نیز آن را شنیده‌اند، از ضبط پخش می‌شد، مرحوم شهریار بعد از چند دقیقه پرسید، شاعر این شعر کیست؟ گفتم استاد گوش کنید ببینید می‌توانید حدس بزنید، در مقطع آخر شعر، شهریار گفت اینکه برای من است! شهریار ادیب نبود، عروض نمی‌دانست، اما شعر در درون او می‌جوشید. ملتی که ظرف 70 سال 5 بار الفبایش اغییر کند نمی‌تواند ادعایی برای شهریار داشته باشد

ادعاهایی از کشورهای همسایه مثل آذربایجان درباره شهریار شده است، ارتباطی بین انتشار این کتاب با طرح این ادعاها دارد؟ طبیعی است که در این کتاب هم به صورت غیرمستقیم به ایرانی بودن و شیعی بودن شهریار توجه شده است، برخی در سال‌های اخیر ادعاهایی به یافه کردند، اما برخی موارد را هر چه قدر هم سرمایه‌گذاری کنند، نمی‌توانند اثبات کنند. این ادعاها دو علت داشت، اول اینکه این مدعیان اساساً شعر نمی‌فهمند ملتی که 5 بار الفبایش طی 70 سال تغییر یافته باشد، نمی‌تواند از سواد عمیقی ادبی برخوردار باشد. درکی از شعر ایران ندارند، فهم شعر شاعر ایرانی نیازمند دانستن قرآن تاریخ اسلام، سیره حدیث و ... است، از همین روست که برخی از شعرهای شاعران کلاسیک را نمی‌فهمند و حتی به خیال خودشان آن را تغییر داده و اصلاح می‌کنند.

فتنه سرویس‌های امنیتی برای قراردادن شهریار به عنوان قطب جنوبی دعوای دو آذربایجان بخش دیگر هم فتنه‌ای است که سرویس‌های امنیتی آن را طرح‌ریزی کرده است تا شهریار را قطب جنوبی دعوای دو آذربایجان کنید. شهریار زبان مادری اش ترکی بود و آن را دوست داشت. چه حسی طبیعی‌تر از حس وطن دوستی و زادبوم. شهریار 2 هزار بیت شعر ترکی دارد، اما در مقابل 40 هزار بیت شعر فارسی هم دارد. تحریفاتی نیز انجام شده است، برای نمونه شهریار گفته است «من علینین اوغلی» یعنی من پسر علی هستم، آن‌ها گفته‌اند شهریار نوشته «من الینین اوغلی» «من پسر ایل هستم» اخیراً هم دوباره این ماجراها ادامه پیدا کرده است، حتی در ایران هم سخنرانی برگزار می‌کنند، سال گذشته جایزه‌ای بنام شهریار برگزار شد که خانمی از باکو حضور داشت و رساله ای نوشته بود مبنی بر تحریف آثار شهریار و بنده را تحریف‌گر آثار شهریار معرفی کرده است. - من از شهریار هم دستخط دارم، هم صدا هم فیلم. در این کتاب نیز دستخط شاعر چاپ شده است - متأسفانه چاپ این کتاب گویی برای کسی مهم نبود.

در ترکیه نیز گاهی این ادعاها مطرح می‌شود، همان‌طور که گفتیم اتحاد جماهیر شوروی یک بنگاه انتشاراتی به نام پروگرس داشت. وقتی کتابی وارد پروگرس می‌شد، به 200 زبان ترجمه و در اشل‌های مختلف منتشر می‌شد، این سیستم پروگرس شعرهای شهریار را ترجمه کرد، از این رو شهریار دارای مخاطب میلیاردری در دنیا شد، فرانسه، ارمنی، گرجی، روسی، آلمانی و... از جمله زبان‌هایی هستند که شعرهای شهریار به آن ترجمه شده است.

به نظرم در برخورد با این ادعاها لازم است دولت‌ها و تشکل‌های رسمی که اعتباراتی دارند، به جای شعار و ... شعرهای امثال شهریار را ترجمه کنند چرا که سند حقانیت و مردمی بودن انقلاب همین اشعار است، لزومی ندارد، اعلامیه و بیانیه بدهند، شهریار را اهلس می‌شناسند، اما زمانی که اشعار شهریار در ایران انعکاس و بازتابی ندارد و کسی سراغش را نمی‌گیرند، اینگونه موارد پیش می‌آید، شعر فارسی در تمام دنیا برای ما اعتبار آورده و می‌آورد، گربه ایرانی و یا نفت برای ما اعتباری نمی‌آورد، چرا که سایر کشورها همچون قطر نیز آن را دارند، آنچه برای ما اعتبار راستین می‌آورد، شعر خیام است. شعر به ماهوی شعر. نباید اجازه دهیم این سلسله زرین شعر فارسی در دوره ما بگسلد. در دوره‌ای که بانی و رهبر انقلاب شاعر است، شعر نزد مسئولان باید مورد غفلت واقع شود. در مورد نحوه آشنایی خودتان با استاد بگویید؟

آشنایی من با استاد شهریار از جمله مواردی است که به تقدیر و توفیق مربوط می‌شود، ده ساله بودم که یک شب از رادیو تبریز صدای شاعری را شنیدم، آنچنان محو صدا شده بودم که گویی به من صاعقه اصابت کرده است، مرحوم شهریار هم صدای خوبی داشت هم نگاه خوبی. یادم است که شعری به نام «زمستان» خواندند، من منجمد شدم با من چی کار کرد، نمی‌دانم؟ پس از اینکه شعرخوانی تمام شد، گوینده رادیو گفت که «شعر شهریار را با صدای شاعر شنیدید، پنج شنبه‌ها انجمن ادبی شهریار در ساختمان فرهنگ و هنر دایر است» از مادرم خواهش کردم من را به این انجمن ببرد، روزی به این انجمن رفتیم اما استاد به تهران رفته بود، روزها گذشت و عید نوروز شد و ما به تهران آمدیم، در تهران شهریار را پیدا کردم. در سال 56 شهریار دوباره به تبریز بازگشت، من هم مرتب پیش او می‌رفتم، از همان دیدارهای نخست شهریار هم نسبت به من علاقه پیدا کرده بود، از همان روزها همیشه نگران بودم که یک شبی بالاخره او خواهد مرد، بیش از یک دهه با این نگرانی زندگی کردم که آن روز بالاخره آمد، علاقه بین من و شهریار به گونه‌ای بود که هر روز یکدیگر را می‌دیدیم، من آن سال‌ها صدا و سیما تبریز کار می‌کردم، اگر روزی به دیدنش نمی‌رفتم تماس می‌گرفت و می‌گفت بیا. برخی متون چون زبان و ادبیات عربی، زبان فرانسه، تعالیم شعر فارسی، چند قصیده از خاقانی، حافظ، سعدی و ... را پیش استاد فرا گرفتم.